

Experiences from the classroom of the late professor of education Dr. Ali Shariatmadari: components for effective teaching in higher education

Fatemeh Farajpour Bonab^{1*}, Hossein Jafari Sani²

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۳۶

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۵

Accepted Date: 2025/02/14

Received Date: 2023/05/16

Abstract

The current research is a phenomenology of the experiences of the students of the late Dr. Ali Shariatmadari, in order to determine the components for effective teaching in higher education, so that based on this, the effective application of the components of effective teaching in higher education and the promotion and improvement in effective teaching can be provided. Since higher education plays an important role in achieving educational goals, lecturers and professors are expected to have the necessary skills for effective teaching.

The research approach is qualitative and phenomenological. The studied population includes fifteen professors who were students of the late professor of education, Dr. Ali Shariatmadari, who were selected using the purposeful snowball sampling method until reaching the saturation level. The research tool includes a semi-structured interview.

The information recorded from the interviews was coded based on a three-step method. In open coding, primary codes were extracted from the interviews. Then, these concepts were categorized based on the content in the form of major categories and axial coding was done. The last step was selective coding. This step was done by comparing each core category with other categories. Examining the results obtained from the interviews showed that, according to the professors' point of view, the components of effective teaching can be divided into four main categories; Teaching skills, personality and behavioral skills, communication skills, evaluation skills and seventeen sub-categories. To make teaching in higher education effective, a serious behavior mixed with flexibility and a logical balance of rules and relationships should be established in university teaching. Conditions should be provided in the

¹ . PhD Student in Curriculum Planning, , Department of Curriculum Studies and Instruction, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

*Corresponding Author:

Email: hsuny@um.ac.ir.

² . Associate Professor, Department of Curriculum Studies and Instruction, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

universities so that the experience of experienced and experienced professors can be exchanged with new professors.

The first main theme extracted from the participants' experiences was teaching skills. The interviewees in the current research discussed themes such as following the educational regulations and having order and being on time in class, the importance of developing critical and creative thinking and improving thinking skills in the teaching and learning process, emphasizing problem solving methods and preparation. They stated that the class is for thinking and discussion, referring the student to different teaching resources, introducing the student to the viewpoint of different schools, respecting the length of the class. The second main extracted theme is personality and behavioral skills. The interviewees brought up themes such as respecting respect, purity and sincerity, belonging to religion and science, having self-confidence, reflective thinking and problem solving, being motivated and interested in education, compassion and kindness while being strict. The third main theme extracted is communication skills. Interviewees mentioned themes such as establishing a professional relationship with students and helping students' professional growth, establishing proper communication between professor and student and maintaining balance in the relationship, having high expectations from students. The fourth main theme extracted is evaluation skills.

These findings have been compiled based on the experiences of a number of students of the late Professor Dr. Shariatmadari in a period of twenty years. Some of them either did not want to be interviewed, or it was difficult to reach them, so a number of them were interviewed in a snowball form. These findings may not reflect the full view of everyone's experiences and this was a limitation of this research. Therefore, the researchers devoted all their efforts to avoid bias in this matter as much as possible. The authors of this article hope that they or other researchers will be able to study the experiences of other students of the late Dr. Shariatmadari in a wider time and place, and even other professors like Piseksot and Banam, in order to learn from effective teaching behaviors and perhaps from some behaviors. Avoid being ineffective in teaching. It is necessary to explain that in this research more emphasis was placed on identifying components for effective teaching and possible experiences related to ineffective teaching require an independent study that will be conducted by the authors of this article or other interested researchers in the future.

Therefore, it can be said; To make teaching effective in higher education, it is necessary to establish a serious behavior mixed with flexibility and a logical balance of rules and relationships in university teaching. It is important to choose people whose personality traits are suitable for teaching. Favorable conditions should be provided in universities so that it is possible to exchange the experiences of experienced and experienced professors with new professors with scientific mechanisms, and professors and new professors can work together by combining the teaching experiences of the past and new scientific approaches in education and training. Effective teaching in the academic department is an effort. It is hoped that

the results of the present research will be a framework for the realization of effective teaching, especially in higher education.

Keywords: experience, classroom, Dr. Shariatmadari, effective teaching, higher education

تجاری از کلاس درس استاد فقید تعلیم و تربیت دکتر علی شریعتمداری:

مولفه هایی برای تدریس اثر بخش در آموزش عالی

حسین جعفری ثانی^۱، فاطمه فرج پور بناب^۲

چکیده

هدف: پژوهش حاضر پدیدار نگاری تجارب شاگردان مرحوم دکتر علی شریعتمداری، جهت تعیین مؤلفه هایی برای تدریس اثر بخش در آموزش عالی است، تا بر این اساس و به کارگیری مؤثر مؤلفه های تدریس اثر بخش در آموزش عالی و زمینه ارتقاء و بهبود در تدریس اثربخش فراهم شود. از آنجا که آموزش عالی نقش مهمی در تحقق اهداف آموزش عالی دارد، انتظار می رود مدر سین و استادان مهارت های لازم را در راستای تدریس اثر بخش برخوردار باشند.

روش: رویکرد پژوهش از نوع کیفی و روش پدیدار نگاری است. جامعه مورد مطالعه شامل پانزده نفر از اساتیدی که از شاگردان استاد فقید تعلیم و تربیت دکتر علی شریعتمداری بودند، است که با روش نمونه گیری هدفمند از نوع گلوله برفی، تا رسیدن به درجه اشباع انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل مصاحبه نیمه ساختار یافته است.

یافته ها: اطلاعات ثبت شده از مصاحبه ها بر مبنای روش سه مرحله ای کدگذاری شد. در کدگذاری باز کدهای اولیه از مصاحبه ها استخراج شد. ررسی نتایج به دست آمده از مصاحبه ها نشان داد که بر اساس دیدگاه اساتید مؤلفه های تدریس اثربخش را می توان در چهار مقوله اصلی؛ مهارت های تدریس، مهارت های شخصیتی و رفتاری، مهارت های ارتباطی، مهارت های ارزشیابی و هفده زیر مقوله طبقه بندی کرد. برای اثربخش کردن تدریس در آموزش عالی بایستی یک نوع رفتار جدی آمیخته با انعطاف پذیری و تعادلی منطقی از ضوابط و روابط در تدریس دانشگاهی برقرار کرد. در دانشگاه ها باید شرایطی فراهم شود تا زمینه تبادل تجارب اساتید با تجربه و پیش کسوت با نواستادان فراهم شود.

کلید واژه ها: تجربه، کلاس درس، دکتر شریعتمداری، تدریس اثربخش، آموزش عالی

۱. دانشیار، گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

Email: hsuny@um.ac.ir

نویسنده مسئول:

۲. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

مقدمه

در دنیای کنونی، آموزش عالی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. هر کشوری با داشتن سیستم آموزش عالی مؤثر و اثربخش می‌تواند گام‌های مؤثری در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بردارد و موجبات توسعه پایدار را فراهم سازد. می‌توان اذعان داشت که برنامه‌های درسی موتور محرکه هر نظام آموزشی است. از اهمیت چشم‌گیری برخوردار هستند و بر اساس آن‌هاست که می‌توان در خصوص کم و کیف یک سیستم آموزشی در هر دوره و پایه‌ای اظهارنظر نمود و به ارزشیابی آن پرداخت. کشورهایی که توانسته باشند در زمینه طراحی، تدوین و اجرای مناسب این برنامه‌های درسی عملکرد بهتری داشته باشند، بی‌شک در تربیت نیروی انسانی نیز عملکرد به مراتب بهتری خواهند داشت. در قرن حاضر دانش و اطلاعات به سرعت در حال افزایش است (Asadian, Piri and Saadatfar, 2017).

نظام تعلیم و تربیت در هر جامعه یکی از مهمترین ارکان آن جامعه محسوب می‌شود. آموزش فعالیتی اجتماعی است که متناسب با سطح فرهنگ و تمدن هر جامعه شکل می‌گیرد (Seyyed Burhan Tafsari and Farzad Parsa, 2023). یکی از مهمترین و اصلی‌ترین عناصراً در نظام‌های آموزشی، برنامه‌ی درسی است که نقش مهمی در تحقق اهداف و مأموریت‌های آموزشی دارد. برنامه‌ریزی درسی که از آن به عنوان طرح علمی یاد می‌شود، وابسته به عناصر مختلفی است و عوامل متفاوتی می‌تواند در این حوزه تأثیرگذار باشد. یکی از منابع مؤثر در طراحی برنامه‌ریزی درسی، اساتید و صاحب نظران در حوزه دانشگاه‌ها و آموزش عالی هستند. در مراکز دانشگاهی اعضای هیأت علمی از استقلال در خور توجهی در خصوص تحقیق و تدریس بهره‌مند هستند. در این صورت است که بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها و اولویت‌های آموزشی را تعیین و تفسیر می‌کنند و در حقیقت به صورت حرفه‌ای مسائل را مورد بررسی قرار می‌دهند. آنان تدریس یک ماده‌ی درسی در چند گروه مختلف، روش تدریس، مفاد دروس، منابع، نحوه‌ی ارزشیابی و مواردی از این قبیل را مشخص می‌سازند و در تصمیم‌گیری‌های خود مورد اطمینان نظام آموزش عالی هستند. زیرا دانش و مهارت لازم را ظرف چند سال تدریس به دست آورده و به نوعی استاندارد ساخته‌اند، اعضای هیأت علمی معمولاً منابعی را ارائه می‌دهند که مخاطبان آنان قدرت درک آن مسائل را داشته باشند و تا حدودی از بازتاب‌های آموزشی خودشان در آموزش بهره گیرند. روش‌های تدریس آنان در چارچوب‌های علمی قرار دارد و عوامل تأثیرگذاری در کلاس درس هستند. البته وسع کلاس، تعداد دانشجویان و تعداد دروس را می‌توان از عوامل تأثیرگذار دیگر در نظر گرفت. سوابق آموزشی و تدریس پیش‌تر در پی کشف و رفع محورهای مشکل ساز فرایند آموزش یادگیری می‌باشد و مطالعه شواهد دال بر یادگیری دانشجو و توصیف انگیزه‌ها و محرک‌های آموزشی است. به بیان دیگر در پی مشخص کردن این نکته است که نظریات متفکرانه چگونه به سخنرانی‌ها، گفت و گوها، تکالیف و آزمون‌ها در تدریس یک عضو هیأت علمی شکل می‌دهند. با توجه به رشد سریع فرایندهای آموزشی اکنون در حوزه‌ی آموزش عالی زمان پرداختن به کاربرد مفاهیم نظری و تئوری‌ها در عمل می‌باشد تا به این وسیله در جهت ارتقای نظام آموزشی قدم برداریم (Shahrekipour, Sarmadi and

(Elhamian, 2013). پدیده تدریس و مؤلفه های اثربخشی آن از جمله موضوعاتی است که از گذشته تا به امروز جزو دغدغه های اساسی پژوهشگران و نظریه پردازان تعلیم و تربیت در سرتا سر جهان بوده است (Mirarab Razi, Haji Tabar and Jafari, 2018). تدریس اثربخش آموزش عالی با ارتقای فرصت های یادگیری اثربخش برای دانشجویان تعریف می شود (Gruber and et al, 2018). تدریس اثربخش در آموزش عالی به طور گسترده ای معطوف به دانشجویان و یادگیری آنها می باشد. برای رسیدن به این هدف به دو اصل اساسی باید توجه نمود. اصل اول اینکه تدریس نیازمند مجموعه ای از مهارت ها و رویه های خاص است. اصل دوم آنکه تدریس باید بتواند به نیازهای بافت و زمینه خاص توجه داشته باشد (Devlin, and Samarawickrema, 2010).

تدریس در محیط دانشگاه همیشه اثربخش نیست، بنابراین گرچه مدرسان دانشگاهی معمولاً از نظر دانش محتوایی مرتبط با رشته خود شان قوی هستند، اما برخی از آنان دانش محدودی درباره نظریه ها و الگوهای تدریس دارند (Henson, 2003). در واقع نقطه آغاز و تداوم آموزش و تدریس حرفه ای معلمان نیازمند درک این نکته است که از یک طرف معلمان چه درکی از فعالیت های خود در کلاس دارند و از طرف دیگر توجه به روش هایی است که یادگیرندگان به واسطه آن ها فعالیت های کلاسی خود را سازمان دهی می کنند (Cooper and McIntyre, 1998).

شناخت تفاوت های فردی فراگیران برای یک تدریس خوب اجتناب ناپذیر است. یک استاد خوب باید خصوصیات دانشجویان خود را بشناسد، با آن ها صمیمی باشد و به همه آن ها به یک چشم بنگرد تا بتواند به قلب آن ها نفوذ کند و باعث عملکرد تحصیلی بهتر در فراگیران شود. استاد با مشاهده حالات فراگیر به میزان درک و فهم او از موضوع مورد نظر پی می برد (Asadian et al., 2017). پژوهش Madani, Poursina, Amini and Yousefinejad (2019) نشان داد توجه دبیران زن که به مؤلفه هایی نظیر انعطاف پذیری در تدریس به سطح تسلط رساندن دانش آموزان، شفافیت ارائه درس، حمایت از یادگیری شاگردان، توانمند سازی خویشتن و بهره گیری از نظرات دیگران، تنوع در تدریس، تکلیف دهی و مطالبه، به طور معناداری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ارتباط دارد. در مقابل نمره های دانش آموزان دبیران مردی که دانش آموزان را به مطالعه قبلی تشویق می کنند، در خلال تدریس به طور مکرر به واریسی یادگیری دانش آموزان می پردازند و به ارزشیابی و آزمون بیش تر گرایش دارند به طور معنادار از نمره های دانش آموزان دبیران زنی که به این مهارت ها گرایش دارند، بالاتر بود. نحوه ی بهره گیری متفاوت دبیران زن و مرد از مهارت های تدریس اثربخش، پیامدهای متفاوتی را از نظر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به دنبال دارد.

Asadian, Piri and Saadatfar (2017) در پژوهشی نشان دادند استادان به ترتیب در تدریس خود بیش تر به مؤلفه های حرفه ای، فنی و ارتباطی در تدریس توجه می کنند. هر اندازه استادان شاخص های بالایی را برای تدریس اثربخش (وضع مطلوب) در نظر داشته باشند، به همان اندازه در گزارش تدریس خود (وضع موجود) تلاش خواهند کرد تا گزارش نسبتاً خوبی از عملکرد خود ارائه نمایند. از طرف دیگر بین تدریس اثربخش و تدریس خود گزارشی از دیدگاه آنان رابطه وجود دارد. بین میزان توجه استادان به

هر یک از مؤلفه‌های تدریس اثربخش به تفکیک رشته‌های دانشگاه تفاوت وجود دارد. سه مؤلفه حرفه‌ای، فنی و ارتباطی به ترتیب از بیشترین به کمترین میزان توجه استادان را به خود جلب کرده است (Zakaria, Setyosari, Sulton and Kuswandi, 2019). در پژوهشی نشان دادند نتایج دانشجویان معلمان پیش از خدمت در قالب رفتار تدریس اثربخش تولید شده توسط یادگیری مبتنی بر هنر، بالاتر از نتایج دانشجویانی است که از مدل‌های مبتنی بر عمل استفاده می‌کنند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد تدریس اثربخش اساتید و رویکرد عمیق دانشجویان نسبت به یادگیری از مهمترین عوامل تعیین کننده در کیفیت یادگیری است (Bobe and Cooper, 2020). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد متغیرهای اثربخشی تدریس و فراشناخت رابطه‌ی مثبتی با هم دارند (Rieser, Naumann, Decristan and et al, 2016). از نظر دانشجویان شایستگی‌های تدریس اساتید شامل مهارت آموزشی، مهارت پژوهشی، مهارت ارتباطی، اخلاق حرفه‌ای، ویژگی شخصیتی و مهارت مدیریت کلاس است (Soleimani, 2019, and Kayzouri, Mohammadi Hoseini).

نقش نظام آموزش عالی در رشد و پیشرفت جوامع برجسته و انکارنشده است. تدریس مهمترین فعالیت آموزشی است و تدریس اثربخش برای عملکرد کارآمد نظام‌های آموزشی و ارتقای کیفیت یادگیری از اهمیت بسزایی برخوردار است (Elzoubiani, 2020). بنابراین شیوه‌های آموزشی سنتی برای جامعه کنونی مناسب نمی‌باشد. اعضای هیئت علمی از عوامل اصلی اجتماعی شدن دانشجویان در محیط‌های دانشگاهی هستند و تعامل مثبت و مناسب میان این دو گروه می‌تواند منجر به بهبود برخی جنبه‌های رشد دانشجویان گردد (Kim and Lundberg, 2016). این تعاملات به دانشجویان کمک می‌کند تا مهارت‌های بین فردی را تقویت کنند، ارزش‌های شخصی را روشن سازند و تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله را ارتقا دهند (Alderman, 2008). توانایی‌ها و مهارت‌های شناختی دانشجویان از جمله مهمترین برون داده‌های آموزش دانشگاهی متأثر از تعامل استاد دانشجویان است (Pascarella and Terenzini, 2005). با توجه به مطالب مطروحه مبنای پژوهش مذکور درباره ویژگی‌های برجسته استادی به نام دکتر علی شریعتمداری در تدریس به عنوان استاد ممتاز و از مفاخر علمی و فرهنگی کشور ایران و چهره ماندگار تعلیم و تربیت که نقش بی بدیلی در تعلیم و تربیت و ارتقای سطح فرهنگی جامعه داشته است، می‌باشد و از ویژگی‌هایی همچون سخت کوشی، دقت نظر، جدیت، نظم و انضباط، روحیه حمایت‌گرانه، ارتباط انسانی و عاطفی با دانشجویان، همانند پدری مهربان و معلمی دلسوز برخوردار بوده و همواره آنان را تشویق و زمینه‌ی رشدشان را در عرصه‌های گوناگون فراهم می‌کرد. اکثر همکاران و دانشجویان مرحوم دکتر شریعتمداری، ایشان را نمونه‌ی کامل از یک معلم توانا و نویسنده‌ای چیره دست معرفی می‌کنند (Behpajoo, 2016).

بنابر مطالب گفته شده، هدف اصلی پژوهش حاضر پدیدار نگاری تجارب شاگردان مرحوم دکتر علی شریعتمداری، جهت تعیین مؤلفه‌هایی برای تدریس اثر بخش در آموزش عالی است، تا بر این اساس و به‌کارگیری مؤثر مؤلفه‌های تدریس اثربخش در آموزش عالی و زمینه ارتقاء و بهبود در تدریس اثربخش فراهم شود. از آنجا که آموزش عالی نقش مهمی در تحقق اهداف آموزشی دارد، انتظار می‌رود مدرسين و استادان باید مهارت‌های لازم را در راستای تدریس اثر بخش داشته باشند و این به عنوان عمده‌ترین مسأله تدریس در آموزش عالی مطرح می‌شود. همچنین با توجه به اهمیت تدریس اثربخش در آموزش عالی و نقش تأثیر گذار آن در جامعه لزوم شناسایی و اعمال تدریس اثربخش در نظام آموزش عالی ضروری است.

روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از رویکرد کیفی و روش پژوهش پدیدار نگاری^۱ انجام شد. پدیدار نگاری، نوعی استراتژی پژوهش است که اساس کار خود را بر اساس تجربه‌های متفاوت افراد از یک پدیده قرار می‌دهد و سعی در ارائه توصیفی عمیق از یک پدیده معین نزد گروهی خاص از افراد دارد (Marton, 1994). هدف این پژوهش شناسایی تجارب تعدادی از شاگردان مرحوم دکتر علی شریعتمداری از کلاس درس ایشان است. در این روش داده‌های مورد نیاز با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شد. فرایند تحلیل در پژوهش حاضر به شرح ذیل و با استفاده از روش کدگذاری صورت گرفته است.

-انجام مصاحبه با اساتید

-پیاده کردن اولیه مصاحبه‌ها

-کدگذاری باز

-کدگذاری محوری

- کد گذاری انتخابی

مشارکت کنندگان شامل پانزده نفر از اعضای هیأت علمی و مدرسین دانشگاه‌ها بودند که در یک بازه بیست ساله کلاس‌های درس دکتر علی شریعتمداری را در مقطع دکتری تجربه کرده بودند و تمایل به مشارکت در این پژوهش را داشتند. نمونه‌گیری در این پژوهش در چارچوب منطق نمونه‌گیری در روش پدیدار نگاری انجام شد. در انجام این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی استفاده شد.

¹ . Phenomenographic

از پانزده نفر نمونه انتخاب شده به عنوان پژوهیدگان مصاحبه به عمل آمد. ابتدا پژوهیدگان، خاطراتی که از دوران تحصیل خود داشتند را مطرح نمودند. با توجه به این که مصاحبه‌ها نیمه ساختاریافته بود بعضی سؤالات نیز از پاسخ‌های داده شده پژوهیدگان برمی‌آمد. مدت زمان مصاحبه‌ها چهل و پنج دقیقه بود. با توجه به اینکه مصاحبه‌ها در دوران بیماری همه گیری کووید ۱۹ انجام شده است، سعی شد مصاحبه‌ها از طریق فضای مجازی انجام شود. مصاحبه نیمه ساختاریافته با مشارکت کنندگان به عمل آمد و نکات مهم مصاحبه‌ها با واکاوی و سؤالات پیگیرانه مصاحبه‌گر روشن گردید. کار جمع آوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع دنبال شد. سپس کدگذاری داده‌ها در سه مرحله انجام گرفت. پس از انجام تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی داده‌ها و پایان کدگذاری، یافته‌های حاصل از پژوهش حول چهار مضمون اصلی و هفده مضمون فرعی شناسایی شدند. نحوه تحلیل داده‌ها به این صورت بود: ابتدا پژوهشگر چند بار اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها را مطالعه کرد و سپس بررسی مفاهیم تکرار شده تا رسیدن به اشباع تا وقتی که هیچ موضوع جدیدی در داده‌ها یافت نشد، ادامه یافت. پژوهشگر به طور همزمان به جمع آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها پرداخت. در تحقیق کیفی این عمل به طور همزمان و توأمان انجام می‌گیرد. تحلیل مقایسه‌ای مداوم به روش Strauss and Corbin (2021) صورت گرفت. کدگذاری در سه مرحله انجام شد. در کدگذاری باز هر متن مصاحبه چندین بار خوانده شد و کدها از کلمات پژوهیدگان استخراج شد به این معنا که برای انجام کدگذاری مفاهیم مشخص شد و سپس در کنار هم در یک مقوله خاص گروه بندی شد. در ادامه کدگذاری تمامی مصاحبه‌ها با استفاده از مقوله‌ها ایجاد شد و مقوله‌های غیر مرتبط حذف شد. کدهایی که از نظر مفهوم مشابه بودند در یک طبقه قرار داده شدند.

بعد از تحلیل هر مصاحبه، مصاحبه بعدی تحلیل و کدهای هر مصاحبه با مصاحبه بعدی مقایسه و سپس کدها و طبقات به زیر طبقات ارتباط داده شد. هنگام بررسی، برخی از طبقه‌بندی‌هایی کم اهمیت‌تر از بقیه تشخیص داده شد و در نتیجه طبقه‌بندی‌ها با هم ادغام گردید. مجدداً داده‌ها مرور شد و مضامین اصلی استخراج گردید. پس از بارها مطالعه و رفت و برگشت‌هایی که بین مجموعه داده‌ها و خلاصه کدگذاری‌ها و تحلیل داده‌ها صورت گرفت، یک مقوله بیش از همه در داده‌ها و مصاحبه‌ها خود را نمایان ساخت و به عنوان مقوله اصلی شناخته شد. برای حصول اطمینان از اعتبار داده‌ها و نتایج، در مرحله اول پیاده‌سازی داده‌ها انجام شد و اختلاف‌های موجود در آن با بازنگری مجدد در مصاحبه‌ها رفع شد. در مرحله دوم جهت کسب اطمینان از اعتبار کدگذاری‌ها و مقولات، موارد تشکیل شده توسط پژوهشگران مورد بازبینی قرار گرفت، در نهایت مقولات نهایی شکل گرفت. در مرحله سوم مقولات استخراج شده با نظرات افراد مورد بررسی قرار گرفت و اختلاف‌های موجود رفع و مقولات نهایی استخراج شد، بنابراین مؤلفه‌ها نام‌گذاری و مقوله‌بندی شدند.

یافته‌ها

در این بخش، اطلاعات ثبت شده از مصاحبه‌ها بر مبنای روش سه مرحله‌ای کدگذاری شد. لازم به ذکر است که انجام این روش سه مرحله‌ای کدگذاری به این صورت بوده است که در کدگذاری باز کدهای اولیه از مصاحبه‌ها استخراج شد. سپس این مفاهیم بر اساس محتوا در قالب مقولات عمده دسته‌بندی شد و کدگذاری محوری انجام گرفت. مرحله آخر کدگذاری انتخابی بود. این مرحله از طریق مقایسه هر مقوله محوری با دیگر مقوله‌ها انجام شد. بررسی نتایج به دست آمده از مصاحبه‌ها نشان داد که بر اساس دیدگاه اساتید مؤلفه‌های تدریس اثربخش را می‌توان در چهار مقوله اصلی؛ مهارت‌های تدریس، مهارت‌های شخصیتی و رفتاری، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های ارزشیابی و هفده زیر مقوله طبقه‌بندی کرد.

مضمون اصلی: مهارت‌های پیش از تدریس، ضمن تدریس و پس از تدریس

م صاحب شونده‌گان مواردی از قبیل داشتن نظم و ترتیب و حضور به موقع در کلاس، توجه به نظران دانشجویان در اداره بهتر کلاس، علاقه به تدریس، اهمیت پرورش تفکر انتقادی و خلاق و ارتقا مهارت‌های تفکر در فرایند یاددهی یادگیری، استفاده از روش حل مسئله، معرفی منابع مورد استفاده جهت تدریس، آشناسازی دانشجو با دیدگاه مکتب پراگماتیسم و برقراری ارتباط میان دانش و تجربیات قبلی و فعلی دانشجویان، رعایت زمان کلاس، رعایت آیین‌نامه‌های آموزشی، شناسایی تفاوت‌های فردی دانشجویان و توجه به آن در تدریس، آماده سازی کلاس برای تفکر و بحث را عنوان کردند. مضامین فرعی و نمونه‌ای از نقل قول‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

مضمون فرعی ۱: رعایت آیین‌نامه‌های آموزشی و داشتن نظم و ترتیب و حضور به موقع در

کلاس

«در این خصوص یکی از اساتید به عنوان نمونه چنین اظهار کرد: خاطره من از استاد به حدود سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۹۰ می‌باشد.

اولین روزی که با استاد کلاس داشتیم و در کلاس نشسته بودیم و منتظر بودیم که استاد تشریف بیاورند. البته ما که در آن زمان شناخت زیادی از استاد نداشتیم استاد شریعتمداری با چنان ابهتی وارد کلاس شدند که ما را به شدت تحت تأثیر قرار دادند. لحن بیان ایشان، قد و قامت، آوازه استاد باعث شده بود تا ما احساس خوشحالی و ترس را با هم تجربه کنیم. در این بین یکی از همکلاسی‌ها که با تأخیر آمده بودند و اجازه ورود گرفتند با اخم و ناراحتی استاد مواجه شدند. ایشان فرمودند که شما نمی‌توانید در کلاس شرکت کنید وقتی این همکلاسی علت را پرسیدند ایشان گفتند که به علت تأخیر باید درس را حذف کنید. توجیه استاد این بود که شما از همان روز اول کلاس را آن چنان که شاید و باید جدی نگرفتید خلاصه کلاً با پا در میانی ما و مدیر

محترم گروه، استاد با حضور ایشان در کلاس موافقت نمودند. ما در آن کلاس تا آخر ترم به موقع و بدون غیبت حاضر شدیم». استاد دیگری عنوان کردند که یکی از ویژگی‌های مهم دکتر در آن دوره، دقت و نظم خیلی جدی بود، ایشان رأس ساعت در کلاس حاضر می‌شدند. حتی ممکن بود که هنوز دانشجویان به اندازه کافی ورود پیدا نکرده بودند ایشان حضور پیدا می‌کردند. زمان‌های طولانی در کلاس روی بحث تفکر و این که تعلیم و تربیت تفکر مبنای اصلی است و تفکر را چگونه به کودکان آموزش داد و حتی معتقد بودند در راستای تعلیم و تربیت اسلامی اگر ما به رشد قدرت تفکر به کودکان توجه کنیم، این رشد تفکر می‌تواند سایر ابعاد حتی بعد تربیت اسلامی کودکان را تکمیل کند، افزایش دهد»

مضمون فرعی ۲: اهمیت پرورش تفکر انتقادی و خلاق و ارتقای مهارت‌های تفکر در فرایند یاددهی / یادگیری

«اساتید اظهار کردند: مرحوم دکتر شریعتمداری اظهار می‌داشتند، استاد باید از تحمیل دیدگاه خود به دانشجویان خودداری کند و به رشد تفکر انتقادی در آنان کمک کند. به علایق و زمینه‌های دانشجویان توجه کند. این موضوع به ویژه در زمینه کارهای پژوهشی کلاسی بسیار صادق است».

مضمون فرعی ۳: تأکید بر روش حل مسئله و آماده‌سازی کلاس برای تفکر و بحث

«یکی از اساتید اظهار کرد: زمان‌های طولانی در کلاس روی بحث تفکر و این که تعلیم و تربیت تفکر مبنای اصلی است و این که تفکر را چگونه به کودکان آموزش داد. درخصوص فضای بحث مناسب و مشارکت دادن دانشجو در مباحث درسی اساتید معتقد هستند که در تدریس اثربخش، استاد باید توانایی مدیریت مباحث کلاس را داشته باشد و بتواند مباحث را در جهت اثربخشی بیش‌تر و مؤثری مدیریت کند و به همه دانشجویان در مباحث توجه داشته باشد. در تدریس اثربخش استاد اجازه مطرح شدن مباحث مختلف در کلاس با دیدگاه‌های مختلف از طرف دانشجویان را می‌دهد و فضای بحث و پرسشگری در کلاس فراهم است. در ارتباط با مباحث مختلف دیدگاه‌های مختلف بیان می‌شود و استاد جمع‌بندی مناسبی از این مباحث ارائه می‌دهد. اساتید ذکر کردند که کلاس‌های استاد طولانی بود و ایشان دوست داشتند بحث کنند و بحث‌ها را گسترش دهند. به طور جدی دانشجو‌ها را در بحث‌ها درگیر می‌کردند و سؤالات اساسی و چالشی مطرح می‌کردند، مسائل مهم سیاسی و اجتماعی روز برای‌شان مهم بود بعضی اوقات دروس را با مسائل سیاسی و اجتماعی روز مرتبط می‌کرد. به شدت به دنبال ایده رشد

روش علمی حل مسئله بود در همه زمینه ها و در تمام دروس از جمله درس ادبیات و هنر تأکید می کرد».

مضمون فرعی ۴: ارجاع دانشجو به منابع درسی مختلف

«یکی از اساتید اظهار کرد: استاد سعی می کردند به مطالعه و استفاده از منابع اطلاعاتی و آموزشی مختلف و از جمله کتاب های خود دانشجویان را ارجاع نمایند. این سبک و روش را برای فرایند یادگیری فعال مفید می دانستند».

مضمون فرعی ۵: آشنا کردن دانشجو با دیدگاه مکتب پراگماتیسم

«یکی از اساتید اظهار کرد: استاد معمولاً در کلاس از مکاتب مختلف فلسفی سخن می گفتند و به خصوص به مقایسه دیدگاه های مختلف مکاتب می پرداختند، از جمله به بیان خصوصیات مکتب اسلام و مکتب های فلسفی مختلف اشاره داشتند. از مکتب های رفتارگرایی، پراگماتیسم و... سخن می گفتند و به ماهیت تربیت از دیدگاه های مختلف می پرداختند. یکی از اساتید اظهار داشتند از سال ۱۳۶۷ با استاد کلاس داشتم تا سال ۱۳۷۹ و بعد هم گاه به گاه با ایشان ارتباط داشتم. ایشان یک شخصیت علمی بسیار عمیق داشتند. عمیق یعنی توانسته بودند به علوم مختلف وحدت دهند. از نظر علمی متأثر از جان دیوئی و فلسفه پراگماتیسم بودند و معتقد بود دیوئی برای دیدگاه خود از بسیاری از ادیسمندان جهان وام گرفته است. ایشان در زندگی شغلی هم پراگماتیسم را لحاظ می کرد. ایشان در فلسفه تربیت با فهم خودش کتاب نوشته بودند. فلسفه را می فهمیدند و فقط مطالب فیلسوفان را نقل نکرده است».

مضمون فرعی ۶: رعایت زمان کلاس

«یکی از اساتید اظهار کرد: استاد کلاس را بعد از ساعت مقرر به پایان می برد و طولانی شدن کلاس از مدت پیش بینی شده بیش تر بود. استاد دیگر عنوان کردند: ایشان چون عضو شورای انقلاب فرهنگی بود کلاس های شان در سال های مختلف ثابت بود و کل ساعت را پوشش می داد. در کلاس ایشان دانشجو باید در هر جلسه از قبل مطالعه می کردند و خود شان باید اکثر زمان کلاس توضیح می دادند ایشان در هر جایی نظر خودشان را اضافه می کردند. شعار مهم ایشان و تکیه کلام شان این بود که باید فکرها را به کار انداخت».

مضمون فرعی ۷: تفکر تأملی و حل مسأله ای

«یکی از اساتید در این خصوص اظهار کرد: استاد تأکید داشتند که بهترین روش تدریس همان روش حل مسأله و تشخیص اجزای تشکیل دهنده یک مبحث علمی است. می گفتند که

اگر ما در تدریس هر مبحثی به اجزای اصلی تشکیل دهنده آن تمرکز کنیم یادگیرنده به نحو احسن کل بحث را به راحتی دریافت خواهد کرد. توضیح می‌دادند که هر مبحث علمی از پنج جزء اصلی، وقایع یا فکت‌ها، مفاهیم، اصول، قوانین و تئوری‌ها تشکیل یافته است. اگر یادگیرنده و یاددهنده هر دو توجه شان به این نکات باشد در واقع یادگیری عمیق اتفاق خواهد افتاد. با این نگاه مابقی مطالب هر کتاب یا محتوایی هر چند زیاد و پرتراکم ارزش خود را از دست خواهد داد. فقط همین نکات اصلی در دایره توجه و یادگیری قرار خواهد گرفت».

مضمون اصلی ۲: ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری

م‌صاحبه شونده‌گان مواردی از قبیل رعایت احترام، صفا و صمیمیت و تعلق خاطر به دین و علم، علاقه به دانشجو پروری، اعتمادبنفس، تفکر تأملی و حل مسأله‌ای، باانگیزه و علاقه‌مند، داشتن مهارت اجتماعی، عطوفت و مهربانی در عین سخت گیر بودن را عنوان کردند. مضامین فرعی و نقل قول‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

مضمون فرعی ۱: رعایت احترام

«اساتید اظهار کردند: استاد دانشجویان زیادی تربیت کردند. در کلاس دانشجویان باید هر جلسه از قبل مطالعه می‌نمودند و خود استاد هم اکثر زمان کلاس توضیح می‌دادند و در هر جایی لازم می‌دانستند نظر خود را اضافه می‌نمودند. شعار ایشان این بود که فکرها را باید به کار انداخت. استاد در صورتی نقد را می‌پذیرفت که با احترام مطرح شود».

مضمون فرعی ۲: صفا و صمیمیت و تعلق خاطر به دین و علم

«یکی از اساتید اظهار کردند: استاد معتقد بودند در راستای تعلیم و تربیت اسلامی اگر ما به رشد قدرت تفکر به کودکان توجه کنیم، این رشد تفکر می‌تواند سایر ابعاد حتی بعد تربیت اسلامی کودکان را تکمیل کند افزایش دهد. استاد دیگر عنوان کردند: دکتر یک شخصیت علمی بسیار عمیق داشتند. عمیق یعنی از ظاهر تفاوت علوم گذشته بودند و توانسته بودند به علوم مختلف وحدت دهد. از نظر علمی متأثر از جان دیویی و فلسفه پراگماتیسم بودند و معتقد بود دیویی برای این دیدگاهش از بسیاری از اندیشمندان جهان وام گرفته است. ایشان در زندگی شغلی هم پراگماتیسم را لحاظ می‌کرد. مثلاً روزی من از رئیس دانشگاه خودمان گلایه کردم ایشان از من خواست تا به خاطر مسایل کوچک انرژی خود را هدر ندهم و از امور مهم‌تر زندگی بازمانم».

مضمون فرعی ۳: داشتن اعتماد بنفس

ویژگی های شخصیتی به مجموعه خصوصیات رفتاری همچون صداقت، شوخ طبعی، اعتماد به نفس، خونسردی، سخت کوشی، مقبولیت جمعی و انعطاف پذیری و... گفته می شود که برای تدریس اثربخش اجتناب ناپذیر است. « یکی از اساتید اظهار کرد: استاد خیلی روی اعتماد به نفس دانشجویان تأکید داشتند. ایشان اظهار می داشتند باید به توانمندی های خودمان باور داشته باشیم ».

مضمون فرعی ۴: با انگیزه و علاقه مند به تربیت

« اساتید اظهار کردند: ایشان به تربیت با احترام و بزرگی نگاه می کرد. استاد دیگر عنوان کردند: استاد به نقش و جایگاه دانشگاه در پرورش شهروندان فرهیخته و روشنفکران هم از منظر تفکر انتقادی و خلاق توجه عمیقی داشت. و برای رسیدن به این هدف متعالی همیشه تأکید می کردند ».

مضمون فرعی ۵: عطوفت و مهربانی در عین سخت گیر بودن

« یکی از اساتید اظهار کردند: علی رغم چهره جدی که انسان استنباط می کرد دکتر خیلی انسان مهربان و عاطفی و دوست داشتنی بودند در ارتباط اگر چه ارتباط اولیه برقرار کردن با ایشان سخت بود، اما بعدها آسانتر می توانستیم ارتباط برقرار کنیم ».

مضمون اصلی ۳: مهارت های ارتباطی

شناسایی استعدادها و علایق و رغبت دانشجویان: استاد باید در دانشجویان نسبت به درس و یادگیری ایجاد علاقه و انگیزه نماید و به دانشجو امید دهد، آن ها را در مسائل مختلف سردرگم ننماید. استاد خوب در فرایند فعالیت های آموزشی باید سعی در شناخت فراگیران خود داشته باشد زیرا شناخت استعداد، توانایی و رغبت دانشجویان می تواند آن ها را در برقراری ارتباط و تدریس موفق تر کند. در واقع مدرس خوب باید بتواند پیام مناسب را برای تغییر و کنترل شاگردان و تأثیر گذاری در آنان انتخاب کند. زیرا تدریس و فراهم کردن زمینه های لازم برای تغییر در ساخت دانش و علاقه و انگیزه فراگیران بدون برقراری ارتباط مطلوب هرگز حاصل نخواهد شد (Shabani, 2011). در واقع کیفیت پیامرسانی استاد نقش عمده ای در مؤثر بودن تدریس او دارد. از این رو پیش از این که او با شیوه های تدریس آشنا شود بهتر است که اصول برقراری ارتباط را به خوبی بیاموزد و آن را سر لوحه کار خود قرار دهد. در رابطه با مضمون مهارت های ارتباطی ۳ مضمون فرعی شامل برقراری رابطه ای با دانشجویان و کمک به رشد حرفه ای دانشجویان، برقراری ارتباط صحیح بین استاد و دانشجو و حفظ تعادل در رابطه، داشتن

انتظارات بالا از دانشجویان استخراج گردید که در ادامه به ذکر مضمون‌ها و نمونه‌ای از نقل قول‌ها اشاره می‌گردد.

مضمون فرعی ۱: برقراری رابطه حرفه‌ای با دانشجویان و کمک به رشد حرفه‌ای دانشجویان

این زیر مقوله در واقع بیان کننده این مطلب است که رابطه استادان با دانشجویان رابطه حرفه‌ای و متمرکز بر اهداف درس باشد. استاد نباید بین دانشجویان تفاوت قائل شود و به آن‌ها دیدی یکسان و حرفه‌ای داشته باشد. یکی از مسئولیت‌های مهم استاد کمک به رشد فردی دانشجویان به ویژه در زمینه تخصصی خود و خودداری از انجام اعمالی مانند تبعیض می‌باشد. مهارت‌های ارتباطی به مجموعه عناصری که به تعامل سازنده بین استاد و دانشجو اشاره دارد و شامل مواردی مانند امکان تبادل نظر و راهنمای در زمینه تجارب حرفه‌ای و بحث‌های علمی و... است.

«یکی از / ساتید اظهار کرد: یک روز من به خاطر سرماخوردگی نتوانستم در کلاس حضور داشته باشم، جلسه بعدی که رفتم / ستاد از من پرسید چرا نیامده بودید؟ من گفتم که مریض بودم و همزمان بنده شاغل هم هستم در دانشگاه درس تعلیم و تربیت را می‌دهم / ستاد پرسیدند آیا شما در کلاس خود بر روش علمی حل مسئله تأکید می‌کنید؟ گفتم، بله. من در راستای رشد تفکر دانشجویانم کلاس را اداره می‌کنم. / ستاد در کلاس از خاطرات دوران تحصیلی و شغلی و تدریس خود برای دانشجویان عنوان می‌کردند و همیشه درس به طور مستقیم نبود. من مدیر پژوهشی دانشگاه بودم و کنفرانسی با عنوان ادبیات و تعلیم و تربیت کودکان برگزار کردیم. بنده کنفرانس را با / ستاد هماهنگ کردم تا ایشان هم حضور داشته باشند. ایشان پذیرفتند و تشریف آوردند سخنرانی نمودند. / ستاد به چشم دانشجو به ما نگاه نمی‌کرد و به عنوان همکار از ما می‌پرسید چکار انجام می‌دهید؟ ایشان در سخنرانی فرمودند ما در ادبیات می‌توانیم با روش تفکر علمی و روش حل مسئله آموزش بدهیم».

مضمون فرعی ۲: برقراری ارتباط صحیح بین استاد و دانشجو، حفظ تعادل در رابطه

شناخت تفاوت‌های فردی فراگیران برای یک تدریس خوب اجتناب پذیر است. یک استاد خوب باید خصوصیات دانشجویان را بشناسد، با آن‌ها صمیمی باشد و به همه آن‌ها به یک چشم بنگرد تا بتواند به قلب آن‌ها نفوذ کند و باعث عملکرد تحصیلی بهتر در فراگیران شود. / ستادان اثربخش با همه فراگیران ارتباط چشمی برقرار می‌کند. / ستاد با مشاهده حالات فراگیر به میزان درک و فهم او از موضوع مورد نظر پی می‌برد. «در این خصوص یکی از / ساتید اظهار کرد: / ستاد در زندگی شغلی هم پراگماتیسم را لحاظ می‌کردند. به عنوان مثال روزی من از رییس دانشگاه

گلایه کردم، ایشان از من خواست به خاطر مسایل کوچک انرژی خودم را هدر ندهم و از امور مهم تر باز نمانم. در آخرین سال که با ایشان درس داشتم، من با پرواز به تهران آمدم هواپیما یک ساعتی تأخیر داشت تصادفاً همان روز همکلاسی هایم شنیده بودند که در شهر ما فردی که همنام من بود ترور شده. وقتی رسیدم دیدم همکلاسی ها به استاد گفتند و ایشان چند دقیقه ای بعد از رسیدن من کلاس را ادامه دادند و بعد متوقف کردند و... وقتی رسیدم فهمیده بودند، قربانی کس دیگر بوده است. من استاد را خیلی دوست داشتم. حدوداً هم سن و سال پدرم بود یک روز در فرودگاه پروازش کنسل شده بود و عصبانی شده بود، به ایشان گفتم که خیلی شبیه پدرمه. فرمودند چطور؟! گفتم زود عصبانی می شوید با عصبانیت گفتند من کی عصبانی شدم؟! گفتم الان / استاد...». «استاد دیگری عنوان می کند، ما برای بهره مندی از محضر استاد به منزل استاد دعوت می شدیم و در آنجا به خدمت استاد می رسیدیم». «استاد دیگر مطرح می کند، استاد حتی به خدمت دانشجویان در شهر و منزل خودشان می رسیدند و از وضعیت دانشجویان خود اطلاع می یافتند».

مضمون فرعی ۳: داشتن انتظارات بالا از دانشجویان

«یکی از اساتید اظهار کرد: روابط متقابل مثبت بین دانشجویان می تواند یادگیری مشارکتی و اعتماد و احترام متقابل را پدید می آورد. مرحوم دکتر شریعتمداری در انجام تکالیف خیلی جدی برخورد می نمودند و انتظار داشتند که دانشجویان همه به موقع تکالیف را تحویل استاد دهند». «استاد دیگری در این خصوص اظهار می دارد استاد دردانشجو پروری شیوه خاصی داشتند به ویژه اگر می دانستند که احتمالاً در دانشگاه تدریس خواهد کرد با علاقه و حوصله خاصی به تربیت او همت می گماشت».

مضمون اصلی ۵: مهارت های ارزشیابی

ارزیابی نظام مند به مهارت هایی گفته می شود که بیان روشن اهداف و انتظارات تدریس، مدیریت فعالیت های کلاس و طراحی محتوا، ارزیابی پیوسته و... را شامل می شود.

مضمون فرعی ۱: تسلط به مطالب درسی

«یکی از اساتید اظهار کرد: دکتر شریعتمداری همیشه عنوان می کردند، استادان اثربخش باید قادر باشند تا ضمن تدریس، ارتباط بین مطالب درسی را با یکدیگر حفظ نموده و با کاربرد روش های مؤثر تدریس، نسبت به یادگیری دانشجویان خود اطمینان حاصل کنند».

مضمون فرعی ۲: مدیریت تکالیف درسی

«ا ساتید اظهار کردند: تکالیف درسی ایشان معمولاً خواندن کتاب بود. خودشان کتاب‌های لاتین داشتند ما علاوه بر آماده کردن برای هر جلسه باید ترجمه مطالب را هم تحویل می‌دادیم. در امتحان مقطع دکترا همین‌ها را ارزیابی می‌کردند و نمره می‌دادند. در کارشناسی ارشد امتحان بسیار کلی گرفتند مانند خلاصه کل فصل را بنویسید. طرح درس مرسوم نداشتند اما برای ترم برنامه داشتند و سعی می‌کردند تا پایان ترم تحقق دهند. ارتباط با دانشجویان عادی بود، بحث آزاد هم در کلاس پیش می‌آمد، اما کلاس با محور مطالب کلاس پیش می‌رفت. ارزشیابی از دانشجویان باید برگرفته از مطالبی باشد که در کلاس تدریس می‌شود. باید چگونگی و نحوه ارزیابی از دانشجو در آغاز ترم مشخص گردد و دانشجویان در جریان چگونگی ارزیابی قرار بگیرند. در ارزشیابی عوامل مختلف دخیل است. باید استاد تفاوت‌های فردی دانشجویان را مورد توجه قرار دهد و بین دانشجویان تفاوت قائل نشود».

«یکی از ا ساتید اظهار کرد: یک تجربه که دارم از امتحان در دوره کارشناسی ارشد سؤالات ایشان تحلیلی و کلی و خیلی با دقت و حوصله و صبر در جلسه امتحان حضور پیدا کنی جلسات امتحان طولانی بود. یادم است که در اوایل امتحانی که داشتیم در درس تربیت اسلامی در دانشگاه خوارزمی نیمسال دوم بود هوا گرم بود و سیستم‌های خنک کننده در آن زمان فعال نبود و خیلی هوا گرم بود و بنده بلند شدم در حین امتحان پنجره کلاس را باز کردم و هوا تعادل پیدا کند و ایشان علی‌رغم چهره جدی و خشکی که تصور می‌کردیم، شروع کرد به خنده و با خنده گفت می‌بینم که کله‌ها داغ کرده و این را تا لحظه تبسم و لبخند تا چند لحظه در چهره ایشان نمایان بود».

جدول ۱: مضامین اصلی و فرعی تدریس اثربخش

مضامین فرعی	مضامین اصلی	مضمون نهایی
A1- رعایت آیین نامه آموزشی و داشتن نظم و ترتیب و حضور به موقع در کلاس A2- اهمیت پرورش تفکر انتقادی و خلاق و ارتقاء مهارت های تفکر در فرایند یاددهی / یادگیری A3- تأکید بر روش حل مسأله و آماده سازی کلاس برای تفکر و بحث A4- ارجاع دانشجو به منابع درسی مختلف A5- آشناسازی دانشجویان با دیدگاه مکتب پراگماتیسم A6- رعایت زمان کلاس A7- تفکر تأملی و حل مسأله ای	A: مهارت های پیش از تدریس، ضمن تدریس، پس از تدریس	تدریس اثربخش
B1- رعایت احترام B2- صفا و صمیمیت و تعلق خاطر به دین و علم B3- داشتن اعتماد به نفس B4- با انگیزه و علاقه مند به تربیت B5- عطوفت و مهربانی در عین سخت گیری	B: ویژگی های شخصیتی و رفتاری	
C1- برقراری رابطه حرفه ای با دانشجوین و کمک به رشد حرفه ای دانشجویان C2- برقراری ارتباط صحیح بین استاد و دانشجو و حفظ تعادل در رابطه C3- داشتن انتظارات بالا از دانشجویان	C: مهارت های ارتباطی	
D1- تسلط به مطالب درسی D2- مدیریت تکالیف درسی	D: مهارت های ارزشیابی	

بحث و نتیجه گیری

با تحلیل تجارب مشارکت کنندگان در پژوهش، چهار مضمون اصلی و هفده مضمون فرعی استخراج شد. مضامین اصلی، فرعی و مضمون نهایی در جدول یک ارائه شده است. اولین مضمون اصلی استخراج شده از تجارب مشارکت کنندگان عبارت از مهارت های تدریس بود. مصاحبه شوندگان در پژوهش حاضر مضامینی از قبیل رعایت آیین نامه آموزشی و داشتن نظم و ترتیب و حضور به موقع در کلاس، اهمیت پرورش تفکر انتقادی و خلاق و ارتقاء مهارت های تفکر در فرایند یاددهی یادگیری، تأکید بر روش حل مسأله و آماده سازی کلاس برای تفکر و بحث، ارجاع دانشجو به منابع درسی مختلف، آشنا کردن دانشجو با دیدگاه مکاتب مختلف، رعایت طول زمان کلاس را عنوان کردند. طبق پژوهش های انجام گرفته از دید

دانشجویان توانایی برقراری ارتباط، داشتن تجربه تدریس، انتقادپذیری، خلاقیت، ارائه مطالب، نظم منطقی و تدریس به زبان ساده از مهم‌ترین ویژگی‌های یک استاد خوب است (Mazlumi, Rahaee, Ehrampush and et al, 2009).

دومین مضمون اصلی استخراج شده مهارت‌های شخصیتی و رفتاری می‌باشد. مصاحبه‌شوندگان مضامینی از قبیل رعایت احترام، صفا و صمیمیت و تعلق خاطر به دین و علم، داشتن اعتماد به نفس، تفکر تأملی و حل مسأله‌ای، با انگیزه و علاقه‌مند به تربیت، عطوفت و مهربانی در عین سخت‌گیری را مطرح نمودند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد عوامل و مؤلفه‌های اثربخش از دیدگاه دانشجویان شامل مهارت آموزشی، ارزیابی نظام‌مند و منش فردی است. از دیدگاه اعضای هیأت علمی علاوه بر مهارت آموزشی و منش فردی، خصوصیات اخلاقی و عوامل ارتباطی نیز شامل است (Asadi, Khalili and Hamtan, 2016). سومین مضمون اصلی استخراج شده مهارت‌های ارتباطی است مصاحبه‌شوندگان مضامینی از قبیل برقراری رابطه حرفه‌ای با دانشجویان و کمک به رشد حرفه‌ای دانشجویان، برقراری ارتباط صحیح بین استاد و دانشجو و حفظ تعادل در رابطه، داشتن انتظارات بالا از دانشجویان را عنوان کردند. (safavi (2011) در مطالعه خود نشان داد عمده‌ترین مسئله و مهم‌ترین مهارت استاد در هنگام تدریس، برقراری ارتباط صحیح بین استاد و دانشجویان است. چنان‌چه این رابطه به خوبی برقرار شود، هدف‌های آموزشی با کیفیت و سهولت بیشتری تحقق می‌یابند. Asadian, Piri and Saadatfar (2017) شناخت تفاوت‌های فردی فراگیران برای یک تدریس خوب اجتناب‌ناپذیر است. یک استاد خوب باید خصوصیات دانشجویان خود را بشناسد، با آن‌ها صمیمی باشد و به همه آن‌ها به یک چشم بنگرد تا بتواند به قلب آن‌ها نفوذ کند و باعث عملکرد تحصیلی بهتر در فراگیران شود. استاد با مشاهده حالات فراگیر به میزان درک و فهم او از موضوع مورد نظر پی می‌برد. صمیمیت مدرس، رفتار گرم و احترامی که برای شخصیت دانشجو قائل می‌شود، می‌تواند تدریس را مؤثرتر سازد، Allan, Clarke and Jopling (2009). در پژوهشی نشان دادند که مفاهیم اثربخشی برای استادان دانشگاه که انتظارات بالایی دارند و هم‌چنین در خصوص فراهم کردن محیط یادگیری حمایتی که استادان داربست را به طور مؤثر یاد می‌گیرند، پیش‌بینی می‌شود و تعامل مؤثر با دانشجویان خود را ترویج می‌کنند.

چهارمین مضمون اصلی استخراج شده مهارت‌های ارزشیابی است. مصاحبه‌شوندگان به مضامینی از قبیل تسلط به مطالب درسی، مدیریت تکالیف درسی اشاره نمودند. (Rahimi and Azhagh (2010) در خصوص تأثیر آموزش تکلیف محور بر مهارت خواندن و پیشرفت تحصیلی نشان داده است که استفاده از روش تکلیف محور بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان در درس زبان تخصصی مؤثر بوده است. فراوانی تکالیف از جمله عوامل مؤثر در تدریس اثربخش مطرح شده است (Schonwetter, Lavigne, Mazurat and et al, 2006).

(Abdolmaleki, Maleki and Farjadmand (2019) در پژوهشی که انجام دادند نشان دادند شش مؤلفه؛ ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی معلمان، ویژگی‌های تخصصی، مهارت‌های تدریس، ارزشیابی

آموزشی، کنش روان‌شناسانه و مدیریت کلاس معلمان در تدریس اثربخش است. دستیابی به اهداف آموزشی، زمانی امکان پذیر است که منابع انسانی دانا، متخصص و با انگیزش کافی با در اختیار داشتن منابع لازم، هدایت و رهبری کلاس را بر عهده بگیرد. استادان باید در کلاس از فن رهبری در به کارگیری روش‌های صحیح در تحقق اهداف آموزشی آگاه باشند تا با استفاده از روش‌ها و فنون صحیح و مناسب نتایج مطلوبی را به دست آورند (Fathiazar, 2012). بنابراین طبق تجربیات نویسنده معروف عشق به آموختن را چه کسانی و چگونه در دل‌هایی می‌میراند؟ مرز میان استادی و نااستادی تا کجاست؟ آیا اگر ما استادان دیگری می‌داشتیم یا تأثیرگذارانی که علاقه‌های عمیق و استعداد‌های ما را در می‌یافتند و ما را به مسیرهای خودمان سوق می‌دادند اکنون همان بودیم که هستیم؟ آموزش‌گران راستین، انگیزش‌گران راستین‌اند، آنان کاشف، هدایت‌گر، الهام‌بخش و نیرودهنده انگیزه‌هایی هستند که سرچشمه همه آفرینش‌ها، ره‌گشایی‌ها و ساختن‌هاست. روح استاد شورمند فقط در قالب شاگرد یا شاگردان شورمندش حلول می‌کند. اگر شاگردان عاشق و صادق نبودند معلوم نیست بر سر اندیشه و هنر آدمی چه می‌آمد. شرح پیوندهای عمیق میان استادان و شاگردان، پیوندهایی بس استوارتر و بی‌شائبه‌تر از پیوندهای پدر، مادر و فرزندی از شنیدنی‌ترین داستان‌های انس و الفت بشری است (Azarang, 2023).

این یافته‌ها بر اساس تجارب تعدادی از شاگردان مرحوم استاد دکتر شریعتمداری در یک بازه زمانی بیست ساله گردآوری شده است. تعدادی یا تمایل به مصاحبه نداشتند و یا امکان دسترسی به آنان سخت بود، لذا به صورت گلوله برفی با تعدادی از آنان مصاحبه شد. این یافته‌ها شاید آینه تمام‌نمای تجارب همه نباشد و این موضوع محدودیتی بود که در انجام این پژوهش ایجاد شد؛ بنابر این محققان تمام تلاش خود را معطوف کردند تا از سوگیری در این خصوص تا حد امکان پرهیز شود. نویسندگان این مقاله امیدوارند که خودشان و یا سایر پژوهشگران بتوانند در ادامه این‌گونه مطالعات تجارب سایر شاگردان مرحوم دکتر شریعتمداری را در قلمرو زمانی و مکانی وسیع‌تر و حتی سایر اساتید پیسکسوت و بنام مطالعه کنند تا از رفتارهای تدریس اثر بخش الگو بگیرند و شاید از برخی رفتارهای غیر اثر بخش در تدریس پرهیز کنند. لازم به توضیح است که در این پژوهش بیشتر بر شناسایی مؤلفه‌هایی برای تدریس اثر بخش تأکید شده بود و تجارب احتمالی مربوط به تدریس غیر اثر بخش نیازمند مطالعه مستقلی است که در آینده توسط نویسندگان این مقاله یا سایر پژوهشگران علاقمند انجام خواهد شد.

بنابراین می‌توان گفت؛ برای اثربخش کردن تدریس در آموزش عالی لازم است یک نوع رفتار جدی آمیخته با انعطاف‌پذیری و تعادل منطقی از ضوابط و روابط را در تدریس دانشگاهی برقرار کرد. انتخاب افرادی که ویژگی‌های شخصیتی آنان مناسب تدریس باشد حائز اهمیت است. شرایط مساعدی باید در دانشگاه‌ها فراهم شود تا امکان تبادل تجارب اساتید با تجربه و پیش‌کسوت با نواستادان با سازوکارهای علمی فراهم شود و استادان و نواستادان بتوانند در کنار هم با ترکیب تجارب تدریس

گذشتگان و رویکردهای نوین علمی در تعلیم و تربیت به تدریس اثر بخش دانشگاهی همت گمارند. امید است نتایج پژوهش حاضر چارچوبی در راستای تحقق تدریس اثربخش به‌ویژه در آموزش عالی باشد.

سپاسگزاری

از شرکت کنندگان در این پژوهش که ما را یاری نمودند، قدردانی و سپاسگزاری می‌شود.

حامی مالی

این تحقیق هیچ‌گونه حامی مالی نداشته است.

تعارض منافع

مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

References

- Abdolmaleki, S., Maleki, H., & Farjadmand, L. (2019). Components affecting the effective teaching of teachers (Case study: fifth grade primary school teachers in Tehran). *Journal of Education and Learning Research*, 16(1), 123-135. [in persian]
- Allan, J., Clarke, K. & Jopling, M. (2009). Effective Teaching in Higher Education: Perceptions of First Year Undergraduate Students. *International Journal of Teaching and Learning in Higher Education*, 21(3): 362-372.
- Alderman, R. V. (2008). Faculty and student out-of-classroom interaction: Student perceptions of quality of interaction. Unpublished Doctoral Dissertation, Texas A&M University.
- Alzobiani, I. (2020). The Qualities of Effective Teachers as Perceived by Saudi EFL Students and Teachers. *English Language Teaching*, 13(2), 32-47.
- Azarang, A.H. (2023). *My masters and non-masters*. Jahan Kitab Publications.
- Asadian, S., Piri, M., & Saadatfar, R. (2017). Effective teaching in higher education based on the professional experiences of professors and its relationship with self-report teaching. *Quarterly Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 8(15), 113-134. [in persian]
- Asadi, M., & Khalili, G. H. (2016). Effective Teaching Factors and Components from the Viewpoint of Students and Faculty Members of Kurdistan University. *Journal New Educational Thoughts*, 11(1), 53-68. [In Persian]

- Behpajoo, A. (2016). A professor based on Sharia law, knowledge, commitment and sincerity. The monthly education and training of the link, 444.
- Bobe, B. J., & Cooper, B. J. (2020). Accounting students' perceptions of effective teaching and approaches to learning: impact on overall student satisfaction. *Accounting & Finance*, 60(3), 2099-2143.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2021). Basics of qualitative research: grounded theory procedures and techniques, translated by Afshar, E. (9th ed). Tehran, Ney. learning.open university press.
- Cooper, P. & McIntyre, D. (1998). effective teaching and Devlin, M. & Samarawickrema, G. (2010). The criteria of effective teaching in a changing higher education context. *Journal of Higher Education Research & Development*, 29 (2): 111-124.
- Fathi Azar, I. (2012). Teaching methods and techniques, second edition, Tabriz: Tabriz University Publications.
- Gruber, T., Reppel, A. and Voss, R., (2018). Understanding the characteristics of effective professors: the student's perspective. *Journal of Marketing for Higher Education*, 20, 2, pp. 175- 190.
- Kayzouri, A. H., Mohammadi Hoseini, S. A., & Sadat Soleimani, E. (2019). Students' perception of faculty members' teaching competencies (Case study: Ferdowsi University of Mashhad). *Journal of Research in Teaching*, Vol 6, No 3, 206-217.
- Kim, Y. K. & Lundberg, C. A. (2016). A Structural model of the relationship between student– faculty interaction and cognitive skills development among college students. *Research in Higher Education*, 57, 288-309.
- Hanson, J. (2003). Encouraging Lectures to engage with new Technologies in Learning and Teach in a Vocational University; the Role of Recognition Reward, *Journal of Higher Education Management and policy in the Schools* Vol, 15, 8(2), 5-45.
- Marton, F. (1994). Phenomenography, In *International Encyclopaedia of Education*, T. Husen and T. N. Postlethwaite (Eds.). (8, pp. 4424 -4429.) Oxford: Pergamon.
- Madani, S. A., Poursina, D., Amini, M., & Yousefinejad, A. (2019). Analysis of Multiple Relationships between Teachers' Teaching Skills and Students' Academic Achievement in Computational Courses. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 7(18), 31-52. [in persian]
- Mazlumi, S., Rahae, Z., Ehrampush, M., & Soltani, T. (2009). Features of a Powerful Teacher from Students' Point of View in Yazd Shahid Dostoughi University of Medical Sciences. *Hormozgan Medical Journal*, 14 (3), 45-58. [In Persian].
- Mirarab, Razi., HajiTabar, M. & Jafari, F. (2018). Comparison of the effective teaching components of faculty members and invited professors from the perspective of the students. *Journal of Research in Teaching*, VOI6, N3, 206-217.
- Pascarella, E. T., & Terenzini, P. T. (2005). How college affects students: A third decade of research (Vol. 2). San Francisco, CA: Jossey-Bass.

- Rahimi, M., & Azhegh, H. (2010). The Impact of TBLT on Mechanical Engineering Students' Achievement and Reading Comprehension in an ESP Course[. Technology of Education Journal, 5(1), 49-57.
- Rieser, S., Naumann, A., Decristan, J., Fauth, B., Klieme, E., & Buttner, G. (2016). 'The connection between teaching and learning: Linking teaching quality and metacognitive'
- Safavi, A. (2011). 'General teaching methods and techniques'. Tehran: Contemporary Publishing.
- Seyyed Burhan Tafsari, S.B & Parsa, F. (2023). Types of Educational Centers In Iran And Teaching Methods In Them: From The 3rd To The 7th Century. Journal of Research in Teaching, 10(4), 33-57. [in persian]
- Schonwetter, D. J., Lavigne, S., Mazurat, R., & Nazarko, O. (2006). Students perceptions of effective classroom and clinical teaching in dental and dental hygiene education. Dental Education, 70(6), 624- 635.
- Shabani, H. (2011). 'Educational Skills Volume One'. Tehran: Samt Publications.
- Shahrkipour, H., Sarmadi, M. R., & Elhamian, N. (2013). Study of the role of components of academic rank, teaching background and academic orientation on the application of curriculum meta- theories in teaching-learning strategies. Higher Education Curriculum Studies Quarterly, 4(7), 54-69. [in persian]
- Zakaria, Z., Setyosari, P., Sulton, & Kuswandi, D. (2019). The Effect of Art-Based Learning to Improve Teaching Effectiveness in Pre-Service Teachers. Journal for the Education of Gifted Young Scientists, 7(3), 531-545.